

بہ نام خدا



مدیریت پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی

تراستی

تہیہ کنندہ: محبتی کاوند

فهرست مطالب

تراست

- ۱- مقدمه ۳
- ۲- تاریخچه تراست ۳
- ۳- تعریف تراست ۴
- ۴- شرایط ایجاد تراست ۵
- ۵- اموال موضوع تراست ۵
- ۶- موارد کاربرد و استفاده تراست ۶
- ۷- انواع تراست ۷
- ۷-۱- تراست خصوصی ۷
- ۷-۱-۱- تراست صریح ۷
- ۷-۱-۲- تراست تاسیس شده کامل و تراست ناقص ۸
- ۷-۱-۳- تراست ضمنی ۸
- ۷-۱-۴- تراست جعلی (تحمیلی و حکمی) ۹
- ۸- قوانین ضد تراست ۱۱
- ۸-۱- توافقات میان شرکت ها ۱۱
- ۸-۲- قراردادهای میان خریداران و فروشندگان ۱۱
- ۸-۳- جلوگیری از شکل گیری قدرت های انحصاری ۱۲
- ۸-۴- محدودیت هایی برای ادغام ها ۱۲
- ۹- مالیات تراست ها در آمریکا ۱۲
- ۱۰- مالیات تراست ها در آفریقای جنوبی ۱۳
- ۱۰-۱- حفاظت از دارایی ۱۴
- ۱۰-۲- ملاحظات مالیاتی ۱۴

تراستی

- ۱- مقدمه ۱۵
- ۲- وظایف تراستی ۱۵
- ۳- اختیارات تراستی ۱۷
- ۴- سایر موضوعات مربوط به تراستی ۱۸
- ۵- مسئولیت های تراستی ۱۹

- ۶- مقایسه تراستی در قانون آمریکا و انگلیس ۱۹
- ۷- مقایسه تراستی با متولی در وقف ۲۰
- ۸- تراستی‌ها در اوراق به پشتوانه دارایی ۲۰
- ۹- منابع و مأخذ ۲۲

تراست

۱- مقدمه

سابقه وقف در جهان به قبل از اسلام برمی‌گردد. از آن‌جا که مکتب متعالی اسلام رسوم و عادات حسنه پیشینیان را تایید نموده است، لذا در میان سنت‌های پذیرفته شده، وقف امری خیرخواهانه، اقتصادی، اجتماعی و در خدمت پیشرفت علمی، فرهنگی و تعالی جامعه اسلامی است. در حقوق انگلستان نیز از نهاد تراست برای رسیدن به چنین اهدافی استفاده می‌شود. البته، تراست (trust) با توجه به مصادیق مختلف و متنوع خود، در تنظیم روابط اجتماعی، نقش به‌مراتب پررنگ‌تر از وقف در حقوق ما ایفا می‌کند؛ به‌طوری‌که از این نهاد برای اهداف وسیع و متنوعی مثل تصفیۀ ترکه، تصفیۀ اموال تاجر ورشکسته، حمایت از محجورین و غیره استفاده می‌شود.

۲- تاریخچه تراست

تراست به عنوان یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های تمایز بخش سیستم حقوقی کامن‌لا بر اثر یک ضرورت اجتماعی پدیدار شد. تراست توسط حقوقدانان قرون وسطی به‌منظور فایق آمدن بر شدت و سخت‌گیری قواعد حقوق کامن‌لا که باعث می‌گردید که یک ملک را نتوان به موجب وصیت به کسی پس از مرگ واگذار نمود و نیز سختی تکالیف مالی فئودالی که بر مستاجرین تحمیل می‌شد به وجود آمد.

تراست در انگلیس در طول قرون ۱۲ و ۱۳ میلادی گسترش یافت. در آن زمان مالکیت زمین در انگلیس مبتنی بر سیستم فئودالی بود. در زمان جنگ‌های صلیبی، زمانی که مالک یک زمین قصد ترک انگلیس را به‌منظور شرکت در جنگ‌های صلیبی داشت نیازمند فردی بود تا در غیاب او اداره اموالش را بر عهده بگیرد و مطالبات و بدهی‌های فئودالی را دریافت و پرداخت نماید. برای دستیابی به این منظور او مالکیت زمینش را به یکی از دوستان خود منتقل می‌نمود با این قرار که پس از بازگشت وی از جنگ، مالکیت به او بازگشته و منتقل شود. اما در عمل جنگجویان صلیبی در وقت بازگشت از جنگ، با انکار مالکان قانونی (افراد) که مالکیت را در غیاب خود به آن‌ها واگذار کرده بودند) روبرو می‌شدند و آن‌ها از برگرداندن اموال امتناع می‌کردند.

حقوق انگلیس دعاوی جنگجویان جنگ‌های صلیبی (مالکان اولیه) را به رسمیت نمی‌شناخت. دادگاه‌ها نیز عقیده داشتند که ملک به تراستی (یعنی فردی که مالکیت به او منتقل شده بود تا در غیاب مالک اصلی عهده‌دار امور مربوط به ملک باشد) تعلق داشت و او هیچ‌گونه تعهدی مبنی بر برگرداندن ملک به مالک اولیه و اصلی آن نداشت. جنگجویان رزمندگان جنگ‌های صلیبی که مالکان اولیه و اصلی بودند حق هیچ‌گونه دعاوی قانونی را نداشتند. رزمندگان مغبون و غمگین به

ناچار نزد پادشاه عرض حال برده و دادخواهی می‌کردند که پادشاه نیز موضوع را به مهرداد سلطنتی^۱ ارجاع می‌داد. مهرداد سلطنتی اختیار داشت که بر اساس عدل و انصاف اقدام نماید و او اختیار داشت در مورد موضوع پرونده بر طبق وجدان تصمیم‌گیری کند. در این زمان بود که اصول انصاف^۲ شکل گرفت و متولد شد.

مهرداد سلطنتی این مطلب را غیرعادلانه می‌دانست که مالک قانونی بتواند ادعاهای رزمنده صلیبی (یعنی مالک حقیقی و اولیه) را مورد انکار قرار دهد. بنابراین او طرفدار این نظر بود که مالکیت از سوی مالک قانونی به مالک حقیقی و اولیه (رزمنده جنگ صلیبی) اعاده شود. با گذشت زمان این مشهور شد که دادگاه مهرداد سلطنتی (دادگاه چنسری) به‌طور مداوم دعوای بازگرداندن مالکیت به مالک اولیه را به رسمیت خواهد شناخت و مورد حکم قرار می‌دهد. بنابراین پس از آن مالک قانونی، مالکیت زمین را به‌منظور منفعت مالک اصلی در اختیار می‌گرفت و متعهد مجبور بود تا مالکیت را در هر زمان که مالک اصلی تقاضا نماید به او برگرداند. شخص مالک اصلی یعنی رزمنده جنگ‌های صلیبی، ذینفع نامیده می‌شد و دوست او یعنی مالک قانونی در غیاب او، تراستی (امین) نام گرفت. ابتدا اصطلاح «انتفاع» مورد ابداع و استفاده قرار گرفت و با گذشت زمان اصطلاح تراست به‌جای آن به‌کار رفت. به‌تدریج استفاده از تراست مطلوب و رایج گردید و به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های سیستم حقوقی کامن‌لا قلمداد شد.

۳- تعریف تراست

تراست به‌عنوان یک نهاد حقوقی تاریخی برآمده از قواعد انصاف در حقوق انگلیس به‌معنای یک رابطه حقوقی می‌باشد و در موردی صادق است که فردی (ایجادکننده تراست) مالکیت مالی، اعم از منقول یا غیرمنقول، را به فرد یا افرادی که تراستی نامیده می‌شوند انتقال داده تا آن مال را برای استفاده اشخاص دیگر، که ذینفع یا مستحق نامیده می‌شوند، یا به‌منظور استفاده در موارد مجاز قانونی مشخص نگهداری نماید. در این صورت مالکیت به تراستی منتقل شده است، اما منافع حقیقی مال به تراستی واگذار نشده است، بلکه منافع متعلق به سایر اشخاص ذینفع یا برای مصرف در مقاصد عام‌المنفعه و خیریه می‌باشد. با توجه به تعریف، به اعطاکننده مال موضوع تراست «ایجادکننده تراست»^۳ به شخصی که به موجب تراست مالکیت مال به او واگذار می‌شود تا مال را به امانت برای استفاده ذینفعان نگهداری نماید تراستی^۴ گفته می‌شود. به اشخاصی که استفاده از مال به آن‌ها تعلق یافته است ذینفع یا مستحق^۵ اطلاق می‌شود. بیان ماهیت تراست برای حقوقدان نظام رومی- ژرمنی آسان نمی‌باشد، زیرا در حقوق رومانیستی حق مالکیت حقیقی است مطلق و مجموعه‌ای است از حق استعمال، حق استثمار و حق اعراض و اخراج از مالکیت. در این تعریف کسی که مالک است از همه مجموعه

^۱ - Lord Chancellor

^۲ - Equity

^۳ - Settlor

^۴ - Trustee

^۵ - Beneficiary

حقوق برخوردار است در حالی که تراستی در حقوق انگلیس تنها حق اداره مال و انتقال آن را دارد و از حق استعمال و حق استثمار و حق اعتراض از مال برخوردار نیست. این یک مفهوم ناقص از مالکیت است که ذهن حقوقدان نظام رومی-ژرمنی با آن بیگانه است. تجزیه مالکیت به نحوی که در تراست وجود دارد از انواع مجاز و شناخته شده مالکیت در نظام رومانیستی نمی باشد. این مشکل در وقف وجود ندارد. وقف یک مجموعه مستقل اموال و دارای شخصیت حقوقی مستقل است و متولی وقف تنها وظیفه اداره مال موقوفه را دارد بدون این که مالک مال موقوفه باشد. این ویژگی خاص و نامانوس تراست را باید در ریشه تاریخی و عوامل پیدایش آن جستجو نمود که در مبحث تاریخچه بدان اشاره شد.

۴- شرایط ایجاد تراست

به طور کلی هر تراست نیازمند سه شرط اساسی است:

۱- **قصد واضح و مشخص:** لزوماً باید یک قصد روشن برای ایجاد یک تراست وجود داشته باشد. این قصد باید به طور قطعی و جزمی ابراز شود.

۲- **موضوع مشخص و معین:** مال موضوع تراست باید واضح و مشخص باشد. به عنوان مثال یک شخص نمی تواند با این عبارت «عمده اموال» آن ها را موضوع تراست قرار دهد. زیرا در این عبارت میزان دقیق موضوع تراست قابل تعیین نیست. اموال موضوع تراست می تواند هر نوعی از اموال باشد اعم از منقول و غیرمنقول، مادی و غیرمادی. منافع مال موضوع تراست نیز باید مشخص و معین باشد و میزان تعلق یافته به هر یک از ذینفع ها باید مشخص باشد.

۳- **اهداف و موضوعات:** ذینفع های تراست باید به طور واضح مشخص شوند یا حداقل قابل تعیین باشند. در مواردی که تراست به صورت واگذاری اختیار تصمیم گیری و تعیین ذینفع به تراستی باشد، شخص ایجادکننده تراست باید طبقه ذینفع مورد نظر خود را دقیقاً توصیف نماید. ذینفع های تراست می تواند شامل افرادی که در حال ایجاد تراست وجود ندارند، نیز شود (به عنوان مثال، نوه های آینده شخص). همچنین هدف تراست می تواند یک قصد خیریه عام المنفعه باشد تا این که ذینفع های خاص و مشخص.

۵- اموال موضوع تراست

اموال از هر نوع که باشد می‌تواند موضوع تراست قرار گیرد چه مال منقول و چه غیرمنقول. تراست می‌تواند در حال حیات یک شخص ایجاد شود که غالباً به‌وسیله یک سند موجد^۶ تراست صورت می‌گیرد و یا بعد از مرگ که در یک وصیت‌نامه مورد وصیت قرار می‌گیرد.

۶- موارد کاربرد و استفاده تراست

اهداف و مقاصد تراست متعدد و متنوع می‌باشد؛ برخی از این اهداف و مقاصد، مشروع و قانونی بوده و در برخی موارد تراست به‌عنوان حيله‌ای قانونی برای انجام یک اقدام نامشروع و فرار از عواقب و آثار قانونی مورد استفاده قرار می‌گیرد. تراست به‌طور عمده در موارد ذیل استفاده می‌شود:

۱- **سرپرستی اموال صغار:** در مواردی که اشخاصی مانند صغار اهلیت لازم قانونی برای دارا شدن مالکیت را ندارند، تراست وسیله مناسبی است تا مالکیت برای آن‌ها توسط تراستی نگهداری شود.

۲- **مدیریت دارایی و وصیت‌ها:** غالباً تراست در وصیت‌ها می‌آید، زیرا در واقع و به‌طور فنی، اداره دارایی شخص متوفی یک نوع تراست است. یک وصیت معمول عرفی، حتی برای فرد نسبتاً فقیر، دارایی وی را معمولاً برای همسر متوفی (اگر وجود داشته باشد) و پس از آن برای فرزندان او به‌طور مساوی اختصاص می‌دهد، اگر فرزندان زیر ۱۸ سال باشند و یا این‌که زیر سن ذکر شده و مقرر در وصیت باشند (معمولاً ۲۱ و ۲۵ سال). یک تراست به‌وجود می‌آید تا زمانی‌که سن مورد نظر و انتظار فرا رسد. اجراکننده وصیت (وصی) معمولاً تراستی می‌باشد و فرزندان ذینفعان می‌باشند. تراستی قدرت و اختیار دارد تا ذینفعان را در طول مدت صغر و کودکی تا رسیدن به سن ۱۸ سال کمک و مساعدت نمایند.

۳- **مقاصد خیریه:** در برخی از نظام‌های حقوقی کاملاً تمام امور خیریه باید به شکل تراست باشد. در برخی سیستم‌های حقوقی دیگر شرکت‌ها نیز ممکن است خیریه باشند، اما در عین حال تراست معمول‌ترین شکل برای تشکیل یک خیریه و موسسه خیریه می‌باشد.

۴- **برنامه‌ریزی برای مالیات:** عوارض مالیاتی انجام کاری با استفاده از روش تراست معمولاً متفاوت است از عوارض مالیاتی تحصیل همان امور با استفاده از روش‌ها و راه‌های دیگر. در بسیاری از موارد، عوارض مالیاتی به‌کار بردن تراست بهتر از استفاده از سایر نهادهای حقوقی جایگزین می‌باشد و در نتیجه تراست اغلب به‌عنوان یک وسیله برای خودداری از پرداخت مالیات به‌کار می‌رود.

۵- **مشارکت در مالکیت:** مالکیت اموال توسط بیش از یک شخص به‌وسیله یک تراست آسان فراهم می‌شود. به‌ویژه مالکیت یک خانه متعلق به عروس و داماد، که معمولاً به‌وسیله یک تراست صورت می‌گیرد. به این صورت که هر دو زوج به‌عنوان ذینفع در نظر گرفته می‌شوند و یکی از آن‌ها یا هر دوی آن‌ها مالکیت قانونی را به‌عنوان تراستی دارا می‌شوند. تراست برای مقاصد گوناگون مشروع و نامشروع دیگری نیز می‌تواند مورد

استفاده قرار گیرد که از آن میان می‌توان از کاربرد تراست به‌منظور اختفا اموال^۷، جلوگیری از ولخرجی^۸، وسیله‌ای به‌عنوان سرمایه‌گذاری^۹، طرح و برنامه مستمری^{۱۰}، به‌عنوان ساختار شرکت و شخصیت حقوقی^{۱۱}، حفظ اموال و دارایی، فرار از پرداخت مالیات و پول‌شویی نام برد.

۷- انواع تراست

در یک تقسیم‌بندی کلی تراست به دو دسته خصوصی و عمومی تقسیم می‌شود؛

تراست خصوصی تراستی است که دارای یک یا چند نفر شخص به عنوان ذینفع است. برخلاف تراست خصوصی، تراست عمومی که به‌عنوان تراست خیریه و عام‌المنعه نیز شناخته می‌شود تراستی که دارای مقاصد خیریه و عام‌المنفعه است و ذینفع‌های آن عموم مردم یا گروهی از آنان می‌باشند. هر یک از این دو نوع تراست را به ترتیب مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۷-۱- تراست خصوصی

تراست خصوصی به سه دسته تقسیم می‌شود:

الف- تراست خصوصی صریح،

ب- تراست خصوصی ضمنی^{۱۲}،

ج- تراست خصوصی جعلی^{۱۳} (تحمیلی).

۷-۱-۱- تراست صریح

تراست صریح زمانی به وجود می‌آید که ایجادکننده تراست با قصد و توجه کامل تصمیم به ایجاد یک تراست در مورد اموال و دارایی خود برای زمان حیات یا برای زمان پس از فوت خود می‌گیرد. در چنین مواردی این امر با امضای یک

^۷ - تراست ممکن است صرفاً به جهت اختفا و خصوصی نمودن ایجاد شود. یک وصیت عمومی و در انظار عموم است در حالی که شرایط یک تراست این چنین نیست. در برخی از خانواده‌ها این ویژگی به تنهایی استفاده از تراست را یک امر ایده‌آل می‌نماید.

^۸ - تراست ممکن است به‌منظور جلوگیری از ولخرجی و حمایت یک شخص در مقابل عدم توانایی او در اداره مالی و هزینه‌های خود زندگی باشد. غیرمعمول نمی‌باشد که این چنین فردی برای ایجاد یک تراست با یک شرکت تراستی قراردادی منعقد نماید به این منظور که شرکت، وظیفه هزینه‌ها و پرداخت پول را در موارد و موضوعاتی که مشخصاً در سند موجد تراست ذکر شده است بر عهده بگیرد. این‌گونه تراست به خصوص برای کسانی که ولخرج باشند بسیار کفید و جالب توجه است.

^۹ - تراست آن‌قدر مفهوم قابل انعطافی است که قابلیت دارد حتی تحت عنوان واحد تراست و یک وسیله برای سرمایه‌گذاری عمل نماید.

^{۱۰} - برنامه‌های مستمری و حقوق بازنشستگی معمولاً به نحو تراست تنظیم می‌شوند به این صورت که شخص کارفرما ایجاد کننده و واگذارکننده تراست، و مستخدم و بستگان وی ذینفع محسوب می‌شوند.

^{۱۱} - ترتیبات پیچیده تجاری به‌طور عمده و اغلب در بخش‌های فاینانس (موسسات مالی و اعتباری) و بیمه، گاهی از میان تاسیسات مختلف حقوقی دیگر تراست را انتخاب نموده و از آن در ساختار سازمانی خود استفاده می‌کند.

^{۱۲} - Implied Trust

^{۱۳} - Constructive Trust

سند تراست که می‌تواند یک وصیت‌نامه یا سند موجد تراست باشد، انجام می‌پذیرد. اغلب تمام تراست‌هایی که در صنعت تراست استفاده می‌شوند از این نوع هستند.

تراست صریح در موردی است که شخص ایجادکننده آن در طول حیات خویش به‌وسیله وصیت به نفع یک یا چند شخص معین یا گروهی از اشخاص ایجاد می‌نماید. این‌ونه تراست ممکن است به‌صورت کتبی در سند یا وصیت و یا این‌که صرفاً با بیان شفاهی در برخی موارد خاص ایجاد شود.

۷-۱-۲- تراست تاسیس شده کامل و تراست ناقص

شخص ایجادکننده تراست ممکن است به دو صورت به ایجاد تراست مبادرت نماید:

الف- خود را به تراستی معرفی نماید؛

ب- شخص دیگری را به‌عنوان تراستی تعیین نماید و مال موضوع تراست را به او تسلیم نماید. در صورتی‌که تراست به نحو اخیر باشد، اگر مالکیت مال موضوع تراست به نحو کامل و قانونی به تراستی منتقل شده باشد آن‌گاه تراست، تاسیس شده کامل^{۱۴} خوانده می‌شود. اما اگر مال موضوع تراست به‌طور قانونی و کامل به تراستی منتقل و تسلیم نشده باشد یا مال غیرمنقول ثبت ده به‌طور تنظیم سند رسمی به تراستی منتقل نشده باشد یا در انتقال سهام با نام یک شرکت انتقال سهام در دفتر شرکت به ثبت نرسیده باشد، تراست غیرکامل^{۱۵} بوده و در واقع تراست به وجود نیامده است. در این صورت ذینفعان تراست حق طرح دعوی و اجبار شخص ایجادکننده تراست را برای انتقال و تسلیم مال موضوع تراست و کامل کردن تراست ندارند مگر این‌که در مقابل آن عوضی پرداخت کرده باشند و تراست معوض باشد. در واقع می‌توان گفت در این مورد قبض شرط کامل شدن تراست است و قبض بر حسب اختلاف موضوع مال تراست متفاوت خواهد بود.

۷-۱-۳- تراست ضمنی

تراست ضمنی بر خلاف تراست صریح زمانی ایجاد می‌شود که برخی از شرایط قانونی تراست صریح وجون نداشته باشد اما با این وجود، قصد طرفین برای ایجاد یک تراست قابل استنباط و مفروض‌الوجود باشد. یکی از انواع عمده تراست ضمنی تراست استنباطی^{۱۶} است. تراست ناشی از استنباط ضمنی ممکن است فرض شود وجود دارد در صورتی‌که سند تراست به‌خوبی تهیه و تنظیم نشده به‌گونه‌ای که برای بخشی از مالکیت قانونی مبتنی بر انصاف تعیین تکلیف نشده باشد. در این صورت قانون ممکن است یک تراستی ناشی شده و استنباطی به منظور تامین نفع شخص ایجادکننده تراست در نظر بگیرد. به‌عبارت دیگر شخص واگذار کننده یعنی ایجادکننده تراست ممکن است طبق قاعده انصاف

^{۱۴} - Completely Constituted Trusts

^{۱۵} - Incompletely Constituted Trusts

^{۱۶} - Resulting Trust

به‌عنوان ذینفع آن بخش از اموال و مالکیتی در نظر گرفته شود که در سند تراست برای آن تعیین تکلیف نشده و مهم‌گذاشته شده است.

۷-۱-۴- تراست جعلی (تحمیلی و حکمی)

برخلاف تراست صریح یا ضمنی، تراست جعلی به‌واسطه توافق بین ایجادکننده تراست و تراستی به‌وجود نمی‌آید، تراست جعلی تراستی است که به موجب قانون به‌عنوان یک راه‌حل برآمده از انصاف در نظر گرفته شده و تحمیل و اجرا می‌شود. این تراست به‌طور کلی زمانی اتفاق می‌افتد که یک عمل خلاف قانون رخ داده باشد. زمانی که فرد خطاکار و مقصر مالکیت قانونی مالی را تحصیل کرده است در حالی که بر اساس قاعده وجدان مجاز به استفاده از آن مال نیست. مثلاً فردی تراستی یک تراست باشد و او اساساً نمی‌تواند مالکیت مال موضوع تراست را به فرد دیگر منتقل نماید اما چنان‌چه علی‌رغم این وظیفه قانونی مال را به شخص دیگری منتقل نمود، شخص منتقل‌الیه تراستی جدیدی محسوب شده و در واقع بر اساس فرض قانونی یک تراست جدید با یک تراستی جدید شکل گرفته است و بر همین اساس منتقل‌الیه نمی‌تواند استفاده از آن مال نماید بلکه باید آن را برای ذینفعان نگهداری نماید. یک تراست جعلی اساساً یک حیلۀ قانونی است. به‌عنوان مثال، یک دادگاهی که تقاضای خواهان را برای تراست جعلی به‌عنوان یک راه‌حل قانونی تصدیق می‌کند، ممکن است این چنین اتخاذ تصمیم نماید که یک تراست جعلی و قانونی به وجود آمده است و چنین تصمیم بگیرد که شخصی که مالکیت اموال را در اختیار دارد باید آن را به‌عنوان تراستی برای کسی که در حقیقت باید مالک اصلی آن باشد، نگه دارد.

تراست عمومی یا خیریه

تراست عمومی یا خیریه برای مقاصد خیریه یا عام‌المنفعه تاسیس می‌شود. برای این که یک تراست عمومی باشد باید دارای مقاصد معین مثلاً از بین بردن فقر، فراهم نمودن آموزش و تحصیلات، انجام برخی از مقاصد مذهبی و امثال آن باشد. مقاصد مشروع و مجاز برای تشکیل یک تراست عمومی معمولاً در قانون آمده است. با این وجود اگر هدف و نظر خاصی باشد که در قانون صریحاً ذکر نشده باشد می‌تواند با قیاس به قانون و موارد مذکور در آن، آن را به‌عنوان منظور تراست عمومی قرار دهد. تراست‌های خیریه یا عمومی موضوع برخورد و رفتار قانونی ویژه و همچنین قانون مالیات می‌باشند.

برای این که تراست، عمومی و خیریه باشد تحقق سه شرط لازم است:

۱- تراست بر اساس مقررات قانونی، خیریه و عام‌المنفعه باشد.

۲- تراست باید برای بهره‌مندی عموم مردم یا حداقل برای بخشی از عموم مردم باشد. اگر مقصود اصلی از

تراست، سودمندی برای تعدادی افراد خاص باشد تراست عمومی و خیریه شکل نگرفته است.

۳- این گونه تراست‌ها باید منحصرأ و کاملاً خیریه باشند. اگر در یک تراست در کنار استفاده از اموال موضوع تراست برای امور خیریه، برای امور دیگر غیرخیریه منظور شده باشد، این شرط تامین نشده است و این تراست خیریه نمی‌باشد.

تقسیم‌بندی تراست به عمومی و خصوصی دارای آثار عملی است و این دو دسته تراست در پاره‌ای از احکام حقوقی متفاوت می‌باشند که عمده آن‌ها در ادامه بیان می‌شود.

تفاوت‌های میان تراست عمومی و خصوصی

۱- **اشخاص ذینفع:** تراست خصوصی به‌منظور استفاده اشخاص معینی یا طبقه‌ای از اشخاص ایجاد می‌شود در

حالی که تراست عمومی به‌منظور بهره‌مندی تمام مردم یا بخش قابل توجهی از آنان به‌وجود می‌آید.

۲- **اعمال قواعد دوام و بقا:** تراست خصوصی نمی‌تواند دایمی باشد در حالی که تراست عمومی یا خیریه می‌تواند

دایمی باشد. البته دایمی بودن شرط تراست خیریه نیست و می‌تواند موقت باشد.

۳- **مالیات:** تراست‌های خیریه به‌طور کامل یا به‌طور جزئی از بسیاری از مالیات‌ها که از تراست‌های خصوصی اخذ

می‌شود، معاف می‌باشند و نیز از نرخ خیلی کم مالیات بهره می‌برند. درآمد یک موسسه خیریه که در راه‌های خیریه مصرف می‌شود به‌طور کلی از مالیات بر درآمد معاف می‌باشد.

۴- **نامعین و غیرمشخص بودن اهداف تراست:** اشخاص ذینفع تراست اگر در تراست خصوصی به‌طور کافی

مشخص نشده باشند، تراست شکل نخواهد گرفت. اما در تراست خیریه، اگر موضوع اهداف مبهم و نامشخص باشد، تراست از این جهت دچار مشکل نمی‌شود زیرا دادگاه می‌تواند یک برنامه برای موارد استفاده از مال موضوع تراست را در نظر بگیرد و مورد حکم و دستور قرار دهد.

۵- **دکترین غرض نزدیک (اقراب به غرض):** این دکترین تنها در مورد تراست‌های عمومی یا خیریه اعمال

می‌شود. زمانی که اجرای یک تراست خیریه غیرممکن یا غیرعملی می‌شود، دادگاه اموال موضوع تراست را برای موارد استفاده و مقاصد نزدیک به آنچه مورد نظر و غرض اعطاکننده و ایجاد کننده تراست بوده است، در نظر می‌گیرد. این اقدام توسط یک طرح که مأمورین خیریه و یا دادگاه ابداع و تنظیم می‌نمایند، انجام می‌شود. اگر مال اعطا شده به‌عنوان خیریه از همان ابتدا دارای مشکل از جهت تعیین منظور و مقصود باشد، دکترین غرض نزدیک اعمال نمی‌شود مگر در موردی که دادگاه یک قصد خیریه کلی را استنباط نماید یعنی اینکه قصد مشخص اعطاکننده مال را برای استفاده مال در راه خیریه در هر حال و هر صورت استنباط نماید. به‌عنوان مثال، اگر اعطا مالی با وصیت به یک موسسه خیریه و عام‌المنفعه‌ای به موجب وصیت صورت پذیرد

و آن موسسه قبل از فوت موصی از بین برود، این مال را نمی‌توان بدون این‌که یک قصد کلی و عام خیریه را استنباط نمود با اعمال دکرترین «غرض نزدیک» مورد استفاده قرار داد.

۶- اجرا و اجبار: تراست خصوصی توسط ذینفع‌های آن مورد مطالبه برای اجرا و اجبار قرار می‌گیرد در حالی‌که

تراست‌های عمومی و خیریه توسط دادستان کل به‌عنوان نماینده حکومت اجبار و اجرا می‌شود.

۷- ثبت: اغلب تراست‌های خیریه و عام‌المنفعه باید نزد مامورین خیریه به ثبت برسند. مامورین خیریه به‌طور کلی

بر موسسات خیریه نظارت دارند و ممکن است طرح و برنامه جدیدی را مورد دستور قرار دهند و برای اقدامات قانونی مجوز صادر نمایند.

۸- قوانین ضد تراست

قوانین ضد تراست توسط دولت‌های محلی و فدرال آمریکا به‌منظور تنظیم شرکت‌ها گذارده شده است. این قوانین، از بزرگ شدن بیش از اندازه و ثابت شدن قیمت‌ها در شرکت‌ها جلوگیری به‌عمل می‌آورد. همچنین، موجب تشویق به رقابت می‌شود تا مصرف‌کنندگان بتوانند به محصولات با کیفیت و با قیمت‌های مناسب دست یابند. این قوانین به کسب‌وکارها فرصت کافی می‌دهد تا برای سهم بازار با هم رقابت کنند. جلوگیری از انحصارگرایی اطمینان می‌دهد که تقاضای مصرف‌کننده به صورت متعادل و عادلانه‌ای پاسخ داده شده است. قانون ضد تراست در مجموع چهار بخش دارد که شامل توافقات میان شرکت‌ها، قراردادهای میان مشتریان و فروشندگان، ادغام‌ها و انحصارها است.

۸-۱- توافقات میان شرکت‌ها

برای جلوگیری از تثبیت قیمت‌ها، در قانون ضد تراست دولت قراردادهای میان دو شرکتی را محصولات مشابه می‌فروشند، محدود می‌کند. همچنین، به شرکت‌ها اجازه داده می‌شود تا قدری آماده شوند تا این‌که گروه خاصی از مناقصه‌ها برنده مناقصه اعلام شود پیش از شروع فرآیند مناقصه. بعد دیگری از کسب‌وکار که تحت این قانون قرار می‌گیرد تخصیص بازار جغرافیایی است. این به معنی آن است که شرکت‌ها نمی‌توانند از قلمرو تعیین شده بر اساس قانون عبور کنند تا محصولات خود را بفروشند. این قانون از انحصار شرکت روی بازار در آن ناحیه یا منطقه جلوگیری می‌کند.

۸-۲- قراردادهای میان خریداران و فروشندگان

همچنین قوانین ضد تراست آمریکا از خریداران نیز حمایت می‌کند. حداقل سطوحی از کیفیت محصول وجود دارد که مورد نیاز است و مشتریان باید از جزئیات آن در ارتباط با محصولات و خدمات آگاه باشند. این موارد شامل هزینه یا هرگون گارانتی در رابطه با محصول و خدمات است. همچنین ممکن است مشتریان با ادعاهای تبلیغاتی دروغ همراه شوند. کمیسیون تجارت فدرال آمریکا و بخش ضد آنتی تراست از دپارتمان آمریکا مسئول اجرای این قوانین و نظارت بر رویه‌های تجارت شرکتی هستند.

۸-۳- جلوگیری از شکل‌گیری قدرت‌های انحصاری

حتی اگر شرکتی وارد قراردادی با رفا نشود تا تجارت را محدود کند، آن‌ها هنوز ممکن است از نوعی انحصار را داشته باشند اگر محصول منحصر به فردی را تولید و به بازار ارایه می‌کنند که هیچ‌گونه رقیبی ندارد. همچنین برخی شرکت‌ها، رویه‌های انحصاری غیرمعتولی دارند که انحصار ایجاد می‌کند. یک شرکت با ذخایر وجه نقد بالا می‌تواند قیمت محصولات خود را دیکته کرده و از قیمت‌گذاری ناعادلانه برای سرکوب رقابت استفاده کند و بدین شکل سایرین را مجبور به خروج از کسب‌وکار نمایند.

۸-۴- محدودیت‌هایی برای ادغام‌ها

بزرگترین موضوعی که قوانین ضد تراست در مورد آن بحث می‌کند، شکل‌گیری ادغام‌ها است. معمولاً ادغام‌ها شرکتی را پدید می‌آورند که به‌منظور رسیدن به کارایی بالاتر ایجاد شده است. برخی از ادغام‌ها از رقابت در بازار کاسته و منجر به بالا رفتن قیمت محصولات، کاهش کالاها و خدمات، کاهش کیفیت محصولات یا پایین آمدن نوآوری فناوری می‌شود. ادغام‌ها و تملک‌هایی که به‌طور مشخص روند رقابت را کاهش می‌دهند، انحصار پدید می‌آورند. این‌که چگونه ادغام به مشتریان آسیب می‌زند، پرسشی است که توسط FTC در حال بررسی است.

قوانین ضد تراست کسب‌وکارها را به رقابت منصفانه ترغیب می‌کنند. آن‌ها موجب افزایش رقابت در بازار می‌شوند تا مشتریان به بهترین محصولات با قیمت‌های منطقی دسترسی داشته باشند. انذار شرکت‌ها از رفتار ضد رقابتی منجر به رشد اقتصادی بیش‌تر می‌شود و مانع رکود بازارها می‌شود. با تنظیم قوانینی که رویه‌های خاصی را غیر قانونی می‌کند، دولت می‌تواند کسب‌وکارها را اعمال قانون کرده و تنظیم نماید. با افزایش رقابت، مشتریان منتفع خواهند شد از قیمت‌های پایین‌تر، محصولات و خدمات با کیفیت بهتر، انتخاب‌های بیشتر و نوآوری روزافزون.

۹- مالیات تراست‌ها در آمریکا

این بخش در مورد مقدمات مالیات بر درآمد آمریکا در مورد تراست‌های متداول است. به‌عبارت دیگر، تراست‌ها با توجه به زیرفصل J کد درآمد داخلی که مربوط به بخش داخلی قانون مالیات قانونی فدرال در ایالات متحده آمریکا است، به‌عنوان تراست‌های اهدایی و تراست‌های غیراهدایی مشخص شده است. تراست‌های اهدایی و غیراهدایی دو نوع از تراست‌ها هستند که در نوع اول اهداکننده پس از اهدا، قدرت‌های خاصی را به‌منظور کنترل تراست برای خود حفظ می‌کند. این دو نوع از تراست‌ها معمولاً توسط شخص برای منافع خودشان یا دیگران پدید می‌آیند. الزامات این نوع از تراست‌ها شامل موارد ذیل است:

۱. سند موجد تراست؛
۲. اهداکننده یا پدیدآورنده؛
۳. حداقل یک تراستی یا امین؛
۴. حداقل یک ذینفع؛ و

۵. منتقل‌کننده دارایی.

شخصی که مشمول مالیات است و چگونگی تعیین آن کاملاً پیچیده است. نگهداشتن در ذهن آن‌چه در ذیل می‌آید مفید است. یک تراست اهدایی به‌عنوان تراست مشمول مالیات نمی‌شود. مالک - معمولاً اهداکننده - مستقیماً مشمول مالیات است چنان‌که گویی تراست وجود ندارد. تراست غیراهدایی مانند یک شخص مشمول مالیات است اما به او اجازه داده نمی‌شود تا مبالغ سود توزیعی میان ذینفعان را کسر نماید زیرا ذینفعان روی سودهای توزیعی مشمول مالیات هستند.

تراست یک نهاد مشمول مالیات است و مالیات بر درآمد آن با اصلاحاتی شبیه اشخاص است. در این راستا، مهم‌ترین اصلاح کسر سودهای توزیعی به ذینفعان است (درآمد خالص توزیعی). این کسر موجب می‌شود که مالیات مضاعف پرداخت نشود. با توجه به این نکته که درآمد مشمول مالیات توزیع شود، در این صورت ذینفعان مالیات پرداخت خواهند کرد نه تراست و چنان‌چه سود توزیع نشود، تراست مشمول مالیات خواهد شد نه ذینفعان. مفهوم درآمد خالص قابل توزیع و بسیاری از پیچیدگی‌های که در رابطه با مالیات تراست‌ها وجود دارد، با محاسبه کسر سود توزیعی شروع می‌شود. درآمد خالص قابل توزیع نه تنها برای کسی که مالیات می‌پردازد مهم است بلکه نرخی هم که در آن درآمد مشمول مالیات تعیین می‌شود، مهم است. در سال ۲۰۱۰، حداکثر نرخ دولت فدرال برای یک شخص ۳۵ درصد بود که درآمدهای بالای ۳۷۳۶۵۰ دلار را در بر می‌گرفت.

۱۰- مالیات تراست‌ها در آفریقای جنوبی

از بسیاری جهات در آفریقای جنوبی شبیه به سایر کشورهای کاملاً عمل می‌شود، اگرچه قانون آفریقای جنوبی واقعاً ترکیبی از سیستم حقوق عمومی انگلیس و قانون مدنی آلمان است. در آفریقای جنوبی، هم‌چنین تراست‌های سنتی ایجاد شده در زمان حیات فرد^{۱۷} (تراست‌هایی که در زمان حیات فرد تشکیل می‌شود یا بعد از مرگ وی) و تراست‌های ارادی^{۱۸} (که معمولاً میان زوجین شکل می‌گیرد) ذینفعان مالک دارایی‌های تراست می‌شوند و تراستی مدیریت تراست را بر عهده دارد. البته این نوع تراست‌ها بر اساس نظر حقوقدانان هلند تراست محسوب نمی‌شوند. تراست‌های ارادی به‌عنوان ابزارهای معاملاتی هستند که برای تراستی‌ها بدهی محدود و مزایای مالیاتی ویژه فراهم می‌کنند. در آفریقای جنوبی، بچه‌های کوچک نمی‌توانند دارایی به ارث ببرند و در صورت فقدان تراست، نهاد دولتی‌ای مانند صندوق گاردین دارایی‌ها را نگهداری و در بزرگسالی به آن‌ها بر می‌گرداند.

^{۱۷} - Living trust

^{۱۸} Bewind trust

در آفریقای جنوبی دو نوع تراست ایجاد شده در زمان حیات فرد وجود دارد که تراست‌های واگذار شده و تراست‌های احتیاطی نام دارند. در نوع اول، منافع ذینفعان در سند تراست ذکر شده است ولی در نوع دوم تراستی‌ها در تمام زمان‌ها در مورد میزان و زمان اعطای منافع ذینفعان اختیار کامل دارند.

۱۰-۱- حفاظت از دارایی

در حال حاضر مزیت‌هایی برای تراست‌های ایجاد شده در زمان حیات فرد در آفریقای جنوبی وجود دارد اگرچه برخی از این مزیت‌ها از بین رفته است. یکی از مزیت‌های مدرن، حفاظت از دارایی‌های اعتباردهندگان است. بدون در نظر گرفتن موارد استثناء قابل توجه، دارایی‌هایی تراست به ملکیت تراستی‌ها یا ذینفعان در نمی‌آید، و اعتباردهندگان به تراستی‌ها و ذینفعان نمی‌توانند ادعایی بر روی تراست داشته باشند. بر اساس قانون ورشکستگی مصوب ۱۹۳۶، دارایی‌های «تراست ایجاد شده در زمان حیات فرد» برای شش ماه در ریسک اعتباردهندگان خارجی است یعنی اگر مالک قبلی دارایی‌ها در زمان انتقال آن به تراست ایجاد شده در زمان حیات فرد توانایی پرداخت تعهدات خود را داشته باشد یا ۲۴ ماه نتوان از ایفای تعهدات خود است، در این صورت بعد از ۲۴ ماه، اعتباردهندگان روی دارایی‌های تراست ادعا ندارند ولی می‌توانند حساب وام را ضبط نمایند و بدین وسیله تراست را مجبور به فروش دارایی‌های خود نمایند یا اینکه وجه نقد پرداخت نمایند و بدهی خود را تسویه کنند. (هر فرد هر سال می‌تواند ۱۰۰۰۰۰ راند (واحد پول آفریقای جنوبی) بدون معافیت‌های مالیاتی اهدا نماید و ۲۰ درصد معافیت مالیاتی برای اهداهای آینده غیر از همین سال مالیاتی استفاده می‌شود).

۱۰-۲- ملاحظات مالیاتی

بر اساس قانون آفریقای جنوبی، تراست‌های ایجاد شده در زمان حیات فرد مالیات می‌پردازند. دو نوع از مالیات که از تراست‌های ایجاد شده در زمان حیات فرد اعمال می‌شود مالیات بر درآمد و مالیات بر عایدی سرمایه هستند. مالیات بر درآمد تراست، نرخ ثابت ۴۰ درصد است (افراد بر اساس درآمد مالیات می‌دهند که معمولاً کمتر از ۲۰ درصد است). درآمد تراست می‌تواند در دست تراست یا ذینفع مشمول مالیات شود. نرخ مالیات بر عایدی سرمایه یک تراست ۲۰ درصد است (افراد ۱۰ درصد پرداخت می‌کنند).

تراستی

۱- مقدمه

تراستی (trustee) می‌تواند یک شخص باشد یا یک شخصیت حقوقی مانند یک شرکت؛ تراستی می‌تواند متعدد باشد که در این صورت باید روش و سازوکار اخذ تصمیم توسط تراستی‌های متعدد روشن باشد. تراستی اساساً توسط ایجادکننده تراست معین می‌شود اما به‌طور کلی تراست صرفاً به‌خاطر عدم تعیین و نبود تراستی از بین نمی‌رود. اگر تراستی تعیین نشده باشد و وجود نداشته باشد هر کسی که مالک مال تراست است به‌عنوان تراستی نیز در نظر گرفته می‌شود. در صورتی که نیاز باشد ممکن است تراستی توسط دادگاه تعیین شود. تراستی‌های بعدی توسط شخصی که به موجب سند موجد تراست این اختیار را دارد، تعیین می‌شوند. به موجب ماده ۳۶ قانون تراستی موارد تعیین تراستی جدید جایگزین یا افزودن تراستی به تراستی‌های موجود در موارد ذیل می‌باشد:

۱. اگر تراستی فوت کند
 ۲. تراستی موجود برای مدتی بیش از ۱۲ ماه خارج از انگلستان باشد
 ۳. تراستی خواستار بازنشسته شدن باشد
 ۴. از پذیرش اقدام به‌عنوان تراستی امتناع کند
 ۵. غیر مناسب یا غیر صالح برای انجام اقدامات لازم باشد یا ضعیف باشد.
 ۶. تراستی یک شرکت تراستی باشد که منحل شده است.
- بر اساس قانون ۱۸۹۸ آمریکا در مورد تراست‌ها، تراستی شامل موارد ذیل است:
۱. هر شخصی که دارایی موضوع تراست را تصاحب کرده، در اختیار دارد و یا نسبت به آن مستحق است؛
 ۲. هر شخصی که منافع دارایی تراست را در اختیار دارد؛
 ۳. هر شرکت، بنگاه، شرکت کوچک، یا نهادهی که به موجب قانون تراستی، وصی، یا مدیر اداره مستغلات فرد متوفی محسوب می‌شود.
 ۴. هر نماینده‌ای که به هر طریقی اعم از صریح یا ضمنی، مالک یا ذیحق در دارایی موضوع تراست است؛
 ۵. تراستی‌های مشترک، وصی‌ها، یا مدیرانی در جاهایی که بیش از یک فرد مسئولیت اداره تراست را بر عهده دارند.

۲- وظایف تراستی

تراستی یا تراستی‌های دارای وظایف ذیل در ارتباط با تراست و موضوع تراست می‌باشند:

۱- مدیریت اجرایی تراست: تراستی مانند یک تاجر با احتیاط موظف است تمام تلاش خود را در اداره تراست به کار برد.

۲- سرمایه‌گذاری: به موجب قانون سرمایه‌گذاری تراستی ۱۹۶۱ تراستی دارای اختیار و قدرت سرمایه‌گذاری تا میزان نصف مال موضوع تراست در سهام شرکت‌های عادی می‌باشد و باقی‌مانده باید در موارد دارای اطمینان بیش‌تر از جمله در گواهینامه پس‌انداز ملی، اوراق قرضه دولتی یا وام‌های مقامات و مسئولین محلی سرمایه‌گذاری شود. البته این اختیار می‌تواند گسترش یابد اگر به موجب شرایط تصریح شده در تراست اختیار سرمایه‌گذاری بیش‌تر و متفاوت به تراستی داده باشد. بخش دوم قانون ۱۹۸۹ نیز برخی وظایف را برای تراستی در ارتباط با سرمایه‌گذاری مشخص کرده است. بر اساس این قانون،

بسته به هر یک از مواد سند تراست، تراستی به‌منظور سرمایه‌گذاری دارای وظایفی به شرح ذیل است:

(الف) اگر حرفه، شغل یا کسب‌وکار تراستی در ارتباط با وظایف تراستی است یا شامل وظایفی مثل سرمایه‌گذاری پول از طرف دیگر افراد، وی باید احتیاط، تلاش و مهارت خود را به کار گیرد تا به‌مرور توانمندی لازم برای اداره امور را به‌دست آورد.

(ب) اگر تراستی تخصص لازم برای اداره تراست را ندارد باید شخص محتاطی از کسب‌وکار مورد نظر را در نظر بگیرد تا امور اداره تراست را به عهده بگیرد.

(ج) یک تراستی، به منظور سرمایه‌گذاری باید مطابق با سند تراست عمل کند که برای تراستی اجباری است و وی ملزم است رضایت ذینفعان را کسب نماید یا در جهت اهداف سرمایه‌گذاری تراست عمل نماید.

(د) با توجه به سند تراست، تراستی باید حداقل هر سال یک‌بار، عملکرد را به‌صورت شخصاً در مورد سرمایه‌گذاری‌های تراست بازنگری کند.

۳- عدم انتفاع: تراستی خود نباید از مال موضوع تراست سود ببرد و اگر از تراست سودی ببرد باید در این ارتباط پاسخ‌گوی ذینفعان باشد.

۴- تعویض اختیارات: تراستی می‌تواند افرادی را به‌منظور انجام کارهای مرتبط با اداره تراست مانند وکیل و ارزیاب استخدام نموده و به آن‌ها پول پرداخت نماید، اما او نمی‌تواند اختیار تصمیم‌گیری را به شخص دیگری واگذار نماید.

۵- حفظ و تهیه حساب‌ها: تراستی باید حساب‌های مربوطه را به نحو مناسب تهیه و حفظ نماید و برای بازرسی در اختیار ذینفعان قرار دهد.

۶- تغییر دادن تراستی: به‌طور کلی تراستی باید بر اساس شرایط تراست اقدام نماید و حق تغییر تراست را ندارد. ولی با این وجود در مواردی این امر امکان‌پذیر است که تراست تغییر یابد و در غیر مورد مصرح در شرایط تراست اقدام شود. یکی از این موارد در صورتی است که تمام ذینفعان دارای اهلیت اجرا باشند و آن‌ها چنین تصمیم گرفته باشند و به تراستی اجازه تغییر تراست را بدهند. مورد دیگر، در صورتی است که ذینفعان از گروه

خاصی باشند که اهلیت اجرا ندارند مانند این که صغیر یا مجنون باشند؛ در این صورت در صورتی که دادگاه تغییر تراسی را به نفع ذینفعان تشخیص دهد می‌تواند به تغییر تراسی حکم دهد.

۷- حقوق و دستمزد تراسی‌ها: تراسی نمی‌تواند در قبال خدماتی که انجام می‌دهد پول یا دستمزدی دریافت کند مگر در موارد ذیل:

(الف) در سند تراست حق الزحمه برای تراسی در نظر گرفته شده باشد.

(ب) تمام ذینفعان در صورت که اهلیت اجرا داشته باشند، نسبت به در نظر گرفتن دستمزد برای تراسی تصمیم بگیرند.

(ج) دادگاه برای تراسی مبلغی را به‌عنوان دستمزد در نظر بگیرد. تراسی‌ها مالک قانونی مال تراست محسوب می‌شوند. آن‌ها می‌توانند به‌عنوان مثال، معاملات بانکی را امضا کنند یا این که خانه موضوع تراست را اجاره دهند. اساساً و به‌طور نوعی تراسی بودن در یک تراست یک شغل بدون حقوق و دستمزد است. با وجود این که امروزه تراسی‌ها اغلب وکلا یا اشخاص حرفه‌ای هستند که معمولاً این کار را مجانی انجام نمی‌دهند. از این‌رو مدرک تراسی به‌طور مشخص تعیین می‌نماید که تراسی‌ها مستحق دریافت دستمزد متعارفی برای کار خود هستند.

تراست می‌تواند ایجاد شود بدون این که تراسی‌های آن هیچ‌گونه آگاهی از وجود تراست داشته باشند. اما این امر معمول است که شخص ایجادکننده تراست هماهنگی‌های لازم را قبل از ایجاد تراست با تراسی‌های بالقوه (به‌عنوان مثال دوستان یا افراد حرفه‌ای مانند وکلا) می‌نماید.

تراستی باید اهلیت قانونی برای تصدی امر را داشته باشد. البته صغیر ممکن است تراسی یک تراست جعلی قرار گیرد یا این که مالکیت مال را در تراست استنباطی به‌عهده داشته باشد.

تراستی می‌تواند یک شرکت باشد که به‌عنوان شرکت تراسی عمل می‌نماید. در موردی که یک شرکت به‌عنوان تراسی می‌باشد این امتیاز را دارد که با مشکل مرگ یا بازنشستگی روبرو نمی‌شود. مثال روشن برای این‌گونه تراسی‌ها بانک‌ها یا شرکت‌های عظیم بیمه می‌باشد. تراسی عمومی یک اداره و شرکت تراسی دولتی است و در صورت اقدام غیر مناسب و ورود خسارت دولت مسئول جبران خسارت وارده می‌باشد.

۳- اختیارات تراسی

هر چند تراسی، مالک اسمی اموال مورد تراست محسوب می‌شود و در اداره آن‌ها از اختیارات وسیعی برخوردار است ولی در واقع اموال موضوع تراست را به‌طور امانی در اختیار دارد تا از آن‌ها در جهت انتفاع ذینفع‌ها بهره‌برداری نماید. وجود رابطه امانی تراسی و اموال موضوع تراست، محدودیت‌هایی را به اختیارات وسیع تراسی وارد می‌سازد که به بیان آن‌ها می‌پردازیم:

۱- طرف معامله قرار نگرفتن: در حقوق انگلیس نسبت به طرف معامله قرار گرفتن تراسی بدبینی وجود دارد. علت بدبینی، تعارض منافع تراسی با منافع ذینفع‌ها است، اگرچه عوض معامله، منصفانه باشد. البته، سند تراست، دادگاه، قانون یا هر وسیله دیگری مانند مذاکرات قبل از انعقاد تراست، می‌تواند چنین اختیاراتی را به

تراستی یا تراستی‌ها اعطا نماید. در این حالت نیز تراستی وقتی می‌تواند طرف معامله قرار گیرد که ثابت کند، معامله منصفانه است.

۲- وظیفه عدم انتفاع از تراست و موقعیت‌ها و فرصت‌های حاصله از سمت تراستی؛ تراستی حق انتفاع از اموال

تراست و یا حق استفاده از موقعیت‌ها و فرصت‌هایی که قبل از موقعیت خود به‌عنوان تراستی برای او پیش می‌آید، را ندارد و در صورت استفاده از این موقعیت‌ها و یا انتفاع از اموال تراست، مسئول خواهد بود مگر این‌که سند تراست یا همه ذینفع‌ها به شرط داشتن اهلیت کامل قانونی، چنین اذنی را به او بدهند.

چنین محدودیتی که ناشی از رابطه امانی است، حتی ممکن است به اشخاص دیگری مثل وکیل تراستی نیز تعمیم داده شود به این صورت که آن‌ها هم حق استفاده از فرصت‌ها و موقعیت‌های ناشی از تراست را به نفع خود ندارند. بخش دوم قانون ۱۹۸۹ نیز برخی اختیارات به تراستی در ارتباط با سرمایه‌گذاری داده شده است. بر اساس این قانون،

(الف) تراستی می‌تواند وجوهای تراست را در هر نوعی از سرمایه‌گذاری به کار گیرد مگر این‌که به صراحت استفاده از ابزار خاصی توسط تراست ممنوع شده باشد.

(ب) در هر زمانی، تنوع سرمایه‌گذاری یا سرمایه‌گذاری با وجوه تراست و یا سرمایه‌گذاری مجدد عایدات نقدی حاصل از هرگونه سرمایه‌گذاری.

۴- سایر موضوعات مربوط به تراستی

۱- بدون محدود کردن موضوعاتی که ممکن است به تراستی مربوط باشد زمانی که وی وظایف سرمایه‌گذاری را انجام می‌دهد، یک تراستی علاوه بر مواردی که در سند تراست به عهده او گذاشته شده است، ممکن است به یک یا بیش‌تر از موارد ذیل را نیز توجه داشته باشد:

(الف) اهداف تراس و نیازها و موقعیت‌های ذینفعان،

(ب) شرایط مطلوب تنوع سرمایه‌گذاری‌های تراستف

(ج) ماهیت سرمایه‌گذاری‌های کنونی تراست و سایر دارایی‌های تراست،

(د) نیاز به حفظ ارزش واقعی سرمایه یا درآمد تراست،

(ه) ریسک زیان سرمایه یا استهلاک،

(و) پتانسیل برای افزایش سرمایه،

(ز) درآمد محتمل و زمان‌بندی بازدهی درآمد،

(ح) مدت زمان سرمایه‌گذاری پیشنهادی،

(ط) سررسید احتمالی تراست،

(ی) نقدینگی و قابلیت عرضه سرمایه‌گذاری پیشنهادی در بازار در طول زمان سرمایه‌گذاری پیشنهادی و

ک) ارزش انباشته مستغلات تراست،

ل) تاثیر سرمایه‌گذاری پیشنهادی در رابطه با بدهی مالیاتی تراست،

م) احتمال تورم اثرگذار روی ارزش سرمایه‌گذاری پیشنهادی یا سایر دارایی‌های تراست،

ن) هزینه‌ها شامل هر نوع کمیسیون، کارمزد، هزینه یا عوارض گمرکی قابل پرداخت که از محل سرمایه‌گذاری پیشنهادی بدست آمده است،

س) نتایج بازنگری سرمایه‌گذاری‌های تراستی موجود.

۲- یک تراستی ممکن است:

الف) استقلال و مشاوره بی‌طرفانه منطقی را که برای سرمایه‌گذاری وجوهای تراست یا مدیریت آن نیاز است.

تراستی از شخصی مشاوره می‌گیرد که به او اطمینان داشته باشد.

ب) هزینه‌هایی بابت مشاوره از محل وجوهای تراست پرداخت نماید.

۵- مسئولیت‌های تراستی

مسئولیت تراستی در پرداخت خسارت وارده، تابع قواعد عام مسئولیت مدنی است و مسئولیت تضامنی تراستی‌ها؛ در نتیجه خسارات حاصله بر اثر نقض تراست است؛ هرچند که ناشی از عمل آن‌ها نباشد و در ایراد خسارات هیچ نقشی نداشته باشند یا دخالت آن‌ها به مراتب کم‌تر از میزان مبلغ پرداختی باشد. تضامنی بودن مسئولیت تراستی‌ها نیز در مواردی است که ایراد و خسارت به چند تراستی منتسب باشد.

۶- مقایسه تراستی در قانون آمریکا و انگلیس

قانون تراست آمریکا و انگلیس از جهات مهمی با هم تفاوت دارند. برای مثال، بر اساس قانون مجلس انگلیس، تراستی دارای اختیار فروش مستغلات یا اجاره دارایی‌های تراست است و در این زمینه هیچ‌گونه محدودیتی در شرایط سند موجود تراست نیست. تراستی حق دریافت حقوق یا پاداش ندارد مگر آن‌که در سند تراست در این زمینه اجازه‌ای داده شده باشد. همچنین تراستی‌ها می‌توانند برای خود جانشین تعیین نمایند.

این موارد مخالف با اکثر اساسنامه‌ها و تصمیمات دادگاه در آمریکا است. همچنین بر خلاف قانون عمومی آمریکا در مورد تراست‌ها است. ذینفعان تراست تحت حاکمیت قانون انگلیس همیشه برای تغییر به‌منظور بهبود یا فسخ یا پایان دادن به تراست اختیار دارند حتی اگر یک یا بیش از یکی از اهداف تراست محقق نشده باشد. به‌علاوه، در انگلیس، دادگاه می‌تواند به تراستی اختیار دهد تا هرگونه سرمایه‌گذاری انجام دهد یا وارد هر نوع مبادله شود که در حالت عادی و بر اساس مواد سند تراست یا قانون این اختیار را ندارد.

در اکثر ایالت‌های آمریکا محدودیت‌هایی وجود دارد تا خلاف مصالح ذینفع عمل نشود ولی در انگلیس چنین محدودیت‌هایی وجود ندارد. بر اساس سند تراست در انگلیس به تراستی مجموعه‌ای از اختیارات داده می‌شود تا تصمیمات لازم را به نمایندگی یا وکالت اتخاذ نماید. این تصمیمات در رابطه با اموال یا دارایی‌های تراست است که خارج از انگلیس قرار دارند. در سندهای تراست در آمریکا چنین مواردی نادر است.

از سوی دیگر، تراستی انگلیس به فهرستی قانونی در سرمایه‌گذاری صندوق‌های تراست محدود می‌شود در حالی که آمریکا این‌گونه نیست و اساسنامه‌های سرمایه‌گذاری در بسیاری از ایالت‌ها آمریکا اختیار انواع مختلف سرمایه‌گذاری را ممکن می‌سازد.

۷- مقایسه تراستی با متولی در وقف

متولی نیز مانند مدیر وقف می‌باشد ولی تفاوت این دو در این است که از نظر تعداد متولی، قانون حدی قرار نداده و تفاوتی میان تولیت اموال منقول و غیرمنقول نگذارده، در حالی که در تراست از نظر تعداد، نسبت مال مورد تراست و عام بودن و یا خاص بودن آن تفاوت وجود دارد. اگر موضوع تراست مال منقول باشد حداقل یک تراستی باید وجود داشته باشد و از نظر حداکثر محدودیتی ندارد. اگر موضوع تراست، مال غیرمنقول باشد در تراست خاص حداکثر چهار تراستی می‌تواند وجود داشته باشد و در تراست عام از نظر حداکثر محدودیتی ندارد ولی در هر دو مورد اقلاً یک تراستی باید وجود داشته باشد.

تفاوت دیگر در این است که رابطه متولی با مال موقوفه صرفاً یک رابطه اداری است و متولی موقوفه را به دیگری منتقل می‌نماید. در حالی که تراستی دارای مالکیت قانونی، نسبت به مال مورد تراست است و حتی می‌تواند آن را به صورت معوض یا غیرمعوض به دیگری منتقل کند. لازم است برای مقایسه متولی با تراستی، این دو از حیث شرایط اشخاص برای تصدی مقام تولیت و تراست مورد مقایسه قرار دهیم.

تراستی باید بالغ و عاقل و دارای اهلیت قانونی باشد. پس هر شخص بالغ و قانونی که اهلیت قانونی داشته باشد به موجب تراست صریح می‌تواند تراستی شود. حقوقدانان انگلیسی شرایط مذکور را از جمله شرایط احراز سمت تراستی دانسته‌اند:

ولی به نظر می‌رسد که در عمل کفایت نیز از جمله شرایط تراستی قلمداد می‌شود ولو این که ضمن بیان شرایط احراز، سمت تراستی بیان نگردیده است. زیرا این حقوقدانان می‌گویند: یکی از وظایف تراستی این است که وی باید مانند شخص بازرگان با فراستی که از اموال خود مواظبت می‌کند، از اموال تراست مواظبت نماید. آیا انجام این وظیفه را می‌توان از کسی که کفایت و توانایی انجام آن را داشته باشد، انتظار داشت؟ پس می‌توان نتیجه گرفت که این شرط عملاً از شرایط احراز مقام تراستی است، مضافاً به این که حقوقدانان انگلیسی گفته‌اند: اگر تراستی قبلی کفایت اداره تراست را نداشته باشد تراستی دیگری جایگزین وی خواهد شد. بنابراین می‌توان گفت که یکی از شرایط احراز مقام تراستی کفایت است. در مقام مقایسه شرایط تراستی با متولی هویداست که این دو در شرایط مذکور در فوق با هم شباهت دارند.

۸- تراستی‌ها در اوراق به پشستوانه دارایی

تراستی در مبادلات اوراق به پشتوانه دارایی ممکن است وظایف مختلفی را انجام دهد از قبیل انجام وظیفه به عنوان تراستی قراردادی (این نوع تراستی وظیفه تضمین منافع دارندگان اوراق را بر عهده دارد)، عامل تاییدکننده اعتبار، عامل انتشار و پرداخت، ثبت کننده اوراق بهادار و عامل انتقال و عامل ذی حساب با توجه به اوراق بهادار، متولی دارایی ها (از طرف ناشر)، تحلیل گر و ارائه دهنده خدمات پشتیبانی. تراستی در اوراق به پشتوانه دارایی همه این نقش ها را ایفا می کند مگر آن که خلاف آن تصریح شود. نقش ارایه دهنده خدمات، پشتیبان یا پشتیبان جامع مستثنی است.

معمولاً تراستی در مبادلات اوراق به پشتوانه دارایی وظایف متعدد و پیچیده ای را بر عهده دارد. این وظایف نسبت به تراستی ها در مبادلات بنگاه های سنتی و اوراق شهرداری ها بیش تر و پیچیده تر است. توانایی تراستی در اوراق به پشتوانه دارایی برای پذیرش این وظایف گسترده و بحث حقوق یا پاداش و نیز نقش وی به بیان شفاف این وظایف در سند مبادله وابسته است. همچنین به قابلیت اجرای مواد سند با توجه به محدودیت ها در توانایی های عملکردی تراستی نیز وابسته است.



۹- منابع و مأخذ

- ۱- احمد پور، احمد؛ مطالعه تطبیقی وقف در حقوق ایران و تراست در نظام حقوقی انگلیس، مجموعه مقالات وقف و تمدن اسلامی، ۱۳۸۷، تهران: انتشارات اسوه.
- ۲- باستانی، امیر؛ مطالعه تطبیقی نهاد وقف و تراست از لحاظ مال موضوع هر یک، مجموعه مقالات وقف و تمدن اسلامی، ۱۳۸۷، تهران: انتشارات اسوه.
- ۳- اسلامی، داوود؛ مطالعه تطبیقی وقف در حقوق ایران و تراست در حقوق انگلیس، مجموعه مقالات وقف و تمدن اسلامی، ۱۳۸۷، تهران: انتشارات اسوه.
- ۴- باستانی، امیر؛ اسماعیل آبادی، علیرضا، مطالعه تطبیقی وقف و تراست در حقوق ایران و انگلیس با نگاهی بر جواز بیع از لحاظ فقه امامیه، مجموعه مقالات وقف و تمدن اسلامی، ۱۳۸۷، تهران: انتشارات اسوه.
- 5- Trustee Act 1898 (No. 34 of 1898).
- 6- [http:// www.antitrustlaws.org/](http://www.antitrustlaws.org/)
- 7- Hauser. B, English Trusts V American Trusts, 2002, English Trusts from an American Perspective.
- 8- The American Bankers Association, Corporate Trust Committee, The Trustee's Role in Asset-Backed Securities, November 9, 2010
- 9- Oppenheim, Steven D, The taxation of trusts in the United States.
- 10- [http:// en.wikipedia.org/wiki/Trust_law](http://en.wikipedia.org/wiki/Trust_law).